

□ نقش نواحی پردازش صادرات صنعتی در توسعه اقتصادی و گسترش صادرات کشورهای در حال توسعه

□ نوشته: بهروز هادی زنون

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی



چکیده

در این مقاله تجربه مناطق پردازش صادرات صنعتی در کشورهای در حال توسعه مورد بررسی قرار گرفته است. این گزارش در انجام بخشی از مطالعات راهبردی ایجاد منطقه آزاد تجاری - صنعتی چابهار^۱ تدوین شده است و هدف آن بهره‌گیری از تجارب جهانی برای تعیین اهداف، اندازه‌ها و استراتژی منطقه پردازش صادرات صنعتی در ایران بوده است. نتایج مطالعات بیانگر این مطلب است که گرچه در دهه اخیر در کشورهای در حال توسعه مناطق پردازش صادرات به سرعت گسترش یافته‌اند، اما همه کشورهایی که دست به ایجاد چنین مناطقی زده‌اند موفق نبوده‌اند. ایجاد فرصت‌های جدید اشتغال و درآمد و منافع خالص ارزی را می‌توان در شمار مهمترین آثار اقتصاد این مناطق به حساب آورد. اثر مناطق پردازش صادرات در زمینه انتقال تکنولوژی و ارتقاء مهارت مدیریت و مهارت نیروی کارگر اگرچه مثبت اما محدود بوده است. اثرات فراز (backward linkage) و نشیب (forward linkage) این مناطق و صرفه‌های خارجی حاصل از فعالیت آنها نیز اندک است.

آشنایی با نویسنده

آقای بهروز هادی زنون دارای فوق‌لیسانس اقتصاد از دانشگاه تهران است. ایشان دارای تألیفات و مقالات متعددی در زمینه‌های اقتصاد کلان و اقتصاد ایران بوده و همچنین مطالعات وسیعی در زمینه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، صنعت و مسکن دارد. آقای هادی زنون در حال حاضر عضو هیئت علمی رسی دانشکده علوم اقتصادی دانشگاه علامه طباطبائی است.

۱- هادی زنون، بهروز: مطالعات راهبردی منطقه پردازش صادرات صنعتی چابهار، دفتر مطالعات و پیگیری طرحها و مصوبه‌های محور شرق، فروردین ۱۳۷۱ فصل سوم.

مطالعات انجام شده بازگوکننده این واقعیت است که در دهه ۱۹۹۰ به دلیل تحولات تکنولوژیک در صنعت و سیاستهای حمایتی کشورهای صنعتی چشم انداز توسعه این مناطق مبهم خواهد بود. بهرحال کشورهای پیشرفته تر درحال توسعه در مقایسه با کشورهای عقب مانده تر برای بهره گیری از فرصتهای جدید موقعیت مناسبتری خواهند داشت.

سیاستهایی که به ایجاد موقعیت برابر برای رقابت در بازار جهانی کمک می کند برای موفقیت صنایع مستقر در مناطق پردازش صادرات حیاتی است. این سیاستها عبارتند از: بوروکراسی کارآمد و نوین، آزادی انتقال سود و سرمایه به خارج، معافیت های گمرکی، انگیزه های مالیاتی، آزادی مبادلات ارزی، دسترسی به تامین مالی محلی، مقررات کارگری ساده به نفع کارفرمایان صنعتی و دسترسی به زیرساختهای صنعتی به قیمت های قابل رقابت.

وجود زیر ساختهای لازم شامل حمل و نقل هوایی، زمینی و دریایی، ارتباطات، دسترسی به آب، برق و سوخت مطمئن، پارکهای صنعتی و خدمات بانکی نیز از الزامات موفقیت مناطق پردازش صادرات صنعتی به شمار می آید.

مقدمه

در دوره برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ایجاد سه منطقه آزاد تجاری - صنعتی در دستور کار دولت قرار گرفته است. می دانیم که تعیین اهداف، استراتژی و سیاستهای توسعه مناطق آزاد در ایران بدون توجه به تجربه جهانی ایجاد این گونه مناطق در کشورهای درحال توسعه اساساً به درستی امکان پذیر نخواهد بود. از این رو مروری بر تجربه جهانی مناطق آزاد می تواند پرتوی بر علل موفقیت های کشورهای معدود و ناکامیهای کشورهای بسیار در این عرصه بیافکند و سبب شود تا تجاربری را که با صرف هزینه و زمان به دست آمده، در کار خویش مورد استفاده قرار دهیم و از تکرار اشتباهات اجتناب کنیم. در این مطالعه توجه ما به طور خاص به کارکرد صنعتی مناطق آزاد معطوف است.

در این زمینه بانک جهانی، انکتاد، سازمان بین المللی کار و مرکز بررسی شرکتهای فراملیتی سازمان ملل متحد پژوهشهایی را انجام داده اند. به جز کار مشترک سازمان

بین‌المللی کار و مرکز بررسی شرکتهای فراملیتی، سایر گزارشات موجود در این زمینه به فارسی برگردانده نشده‌اند.^۱ اما نویسندگان ایرانی با مراجعه به برخی از گزارشات تحقیقی مراجع بین‌المللی آثاری را به صورت کتاب و مقاله تدوین و به چاپ رسانیده‌اند.

نکته درخور توجه این است که ارزیابی ارگانهای مختلف بین‌المللی و ملی از عملکرد مناطق پردازش صادرات، یکدست نیست. انکناذ موضع بدبینانه و محافظه کارانه‌ای را اتخاذ کرده است. سازمان بین‌المللی کار و مرکز بررسی شرکتهای فراملیتی سازمان ملل متحد پژوهش سنجیده تری را ارائه داده‌اند. واحد اطلاعات نشریه اکونومیست لندن که گزارش مفصلی را در سال ۱۹۸۵ منتشر ساخته موضع خوش بینانه تری را اتخاذ کرده و بالاخره بانک جهانی در بررسی موردی تجربه مناطق پردازش صادرات در جمهوری دومینیکن این نتایج خوش بینانه را مورد تأیید قرار داده است.^۲

واقعیت این است که علاوه بر دیدگاههای سیاسی نویسندگان گزارشات مختلف، زمان انجام پژوهش و روش تحقیق آنها در نتایج کار تاثیر مهمی داشته است. مثلاً تجربه دومینیکن یکی از دو تجربه بسیار موفق در این عرصه به شمار می‌رود (تجربه موفق دیگر مربوط به کشور کوچک موریس واقع در اقیانوس هند است). همچنین نتایج به دست آمده در گزارش بانک جهانی مبتنی بر نمونه گیری و تحقیق موردی در مورد اثرات مناطق پردازش صادرات بر توسعه صادرات، توسعه منابع انسانی، انتقال تکنولوژی و توسعه بخش خصوصی است. در حالی که در آثار دیگر با این تفصیل به موضوع پرداخته نشده است.

زمان تحقیق نیز در نتایج بررسیهای موثر بوده است از سال ۱۹۸۵ به این سو جهان شاهد توسعه چشمگیر مناطق پردازش صادرات، اشتغال صنعتی، سرمایه گذاری و

۱- مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، اثر اخیر را تحت عنوان:

اثرات اقتصادی و اجتماعی شرکتهای چند ملیتی در مناطق پردازش صادرات، به کوشش آقای دکتر محمدرضا رفعتی به فارسی برگردانده و در شهریور ۱۳۶۹ منتشر ساخته است.

2. The Economist Intelligence Unit, Export Processing Zones in the 1980, Speical Report No 190

by Jean Carrie 1985.

صادرات کالا از این مناطق بوده است. درحالی که در دهه قبل یعنی زمانی که پژوهش انکتابد به آن دوره مربوط است این وضع حاکم نبوده است. در اینجا کوشش شده است، نتایج پژوهشهای مختلف در زمینه تجربه مناطق پردازش صادرات جمع بندی شود و حتی الامکان درسهای مشخصی در زمینه تدوین اهداف، استراتژی و سیاستهای مناطق مشابه در ایران از آن گرفته شود.

۱-۱. رشد سریع مناطق پردازش صادرات

ناحیه پردازش صادرات از مفهوم سده هیجده میلادی درباب ناحیه تجارت آزاد به منظور برنامه صنعتی کردن مبتنی بر صادرات اخذ شده است. اولین ناحیه پردازش صادرات صنعتی در سال ۱۹۵۹ در فرودگاه شانن (Shannon) در ایرلند ایجاد شد و در سال ۱۹۶۲ مفهوم ناحیه پردازش صادرات به وسیله پرتوریکو به کار گرفته شد و یک ناحیه صنعتی آزاد در آن جزیره ایجاد شد.

از دهه ۱۹۶۰ به این سو کشورهای درحال توسعه تمایل روزافزونی به ایجاد نواحی پردازش صادرات نشان داده اند. این وضع حاصل تغییر اساسی در سیاستهای اقتصادی کشورهای درحال توسعه است. درحالی که قبلاً در این کشورها، صنعتی کردن براساس جایگزینی واردات بود متعاقباً به طور روزافزون به سیاستهای تشویق صادرات معطوف شد. گرچه امروزه معافیت گمرکی صادرات صنعتی در برخی از کشورهای پیشرفته به ویژه ایالات متحده مورد توجه قرار گرفته، اما این گزارش به این پدیده در جهان سوم نظر دارد.

تا سال ۱۹۷۰ میلادی تعداد ۸ ناحیه پردازش صادرات در کشورهای در حال توسعه به وجود آمد. در سال ۱۹۸۰ تعداد این نواحی به حدود ۵۵ مورد رسید. در آن زمان این نواحی در ۳۰ کشور در حال توسعه فعالیت داشتند. در همان سال تعداد ۳۳ ناحیه جدید نیز در ۲۰ کشور در حال توسعه در دست برنامه ریزی و اجرا بود. در اواسط سال ۱۹۸۴ تعداد ۷۹ ناحیه اقتصادی ویژه، ناحیه پردازش صادرات و پارک علمی حایز

اهمیت در ۳۵ کشور و ناحیه مختلف فعال بودند.^۱ نزدیکترین نواحی پردازش صادرات به ایران عبارتند از چیتاگانگ در بنگلادش، کاندلا (Kandla) و سانتاکروز در هند، کراچی در پاکستان و جبل علی در دبئی. در سال ۱۹۸۶ نواحی پردازش صادرات (باستثنای مناطق ویژه چین) ۱/۳ میلیون شاغل داشتند. بین سالهای ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۶ تعداد مشاغل واقع در مناطق پردازش صادرات با نرخ متوسط سالانه ۹ درصد در حال گسترش بوده است. صادرات مناطق پردازش صادرات نیز با نرخ متوسط سالانه بیش از ۱۵ درصد افزایش یافته است. این عملکرد با عنایت به رشد آهسته اقتصاد جهانی بین نیمه دهه ۱۹۷۰ و اواسط دهه ۱۹۸۰ و افزایش شدید بیکاری در سطح جهان درخشانتر جلوه می‌کند. تا سال ۱۹۸۶ تعداد مناطق پردازش صادرات فعال یا نزدیک به فعال شدن در کشورهای در حال توسعه به ۱۷۵ واحد، رسید. در آن زمان ۸۵ منطقه در دست احداث قرار داشتند و بیش از ۲۵ منطقه در مرحله برنامه‌ریزی بودند.^۲ تا سال ۱۹۸۶ تعداد کشورهایی که حداقل یک منطقه پردازش صادرات داشته‌اند به ۴۶ کشور رسید تا اوایل دهه ۱۹۹۰ نیمی از کشورهایی که توسط سازمان ملل متحد به عنوان کشورهای در حال توسعه طبقه‌بندی شده‌اند، در این زمینه فعال خواهند شد.

۱-۲. توفیق ایده منطقه پردازش صادرات

مناطق پردازش صادرات امروزه در سطح جهان گسترده‌اند. این گسترش نه در کشورهای پیشرفته صنعتی بلکه اساساً در کشورهای در حال توسعه رخ داده است. با قضاوت براساس استانداردهای معمول در مورد موفقیت فرآیند نوآوری (یعنی سرعت گسترش، تعداد مقلدان جدید یا نرخ رشد) منطقه پردازش صادرات را می‌توان بسیار موفق دانست.

1. The Economist Intelligence Unit: Export Processing Zones in the 1980s. Special Report No 190 by Jean Currie 1985, P.3.

۲- سازمان بین‌المللی کار و مرکز بررسی شرکت‌های فراملیتی سازمان ملل متحد: اثرات اقتصادی و اجتماعی شرکت‌های چند ملیتی در مناطق پردازش صادرات، ترجمه دکتر محمدرضا رفعتی ناشر موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، شهریور ۱۳۶۹ ص ۸.

مروری بر عوامل کلی گسترش سریع ایده منطقه پردازش صادرات در میان کشورهای در حال توسعه جهان می‌تواند مفید باشد.

تجربه فرودگاه بین‌المللی شانون بدون شک در این مهم نقش داشته است. لکن به نظر می‌رسد که از آن مهمتر ارتباط بین تجربه مزبور و کمکهای فنی آژانس‌های بین‌المللی بوده باشد، یکی از ابداع‌کنندگان منطقه پردازش صادرات شانون بعدها به عنوان مشاور سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (یونیدو) شروع به کار کرد و برای این سازمان اولین راهنما در مورد چگونگی تاسیس منطقه پردازش صادرات را تهیه کرد و ظاهراً در تعدادی از ماموریت‌های مشاوره سازمان توسعه صنعتی ملل متحد به منظور تاسیس مناطق پردازش صادرات در کشورهای در حال توسعه شرکت کرد. یونیدو همچنین در زمینه تاسیس "اتحادیه جهانی مناطق پردازش صادرات" در نیمه دوم دهه ۱۹۷۰ نقش کلیدی داشت. کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد (انکتاد) نیز از طریق تعدادی از مطالعات خود در مورد هزینه‌ها، منافع و مزایای این قبیل مناطق به مشروعیت بخشیدن به ایده تاسیس مناطق پردازش صادرات کمکهای فراوان کرد. بعدها کمک و مشروعیت بخشیدن سازمانهای بین‌المللی به این مناطق از طریق فعالیت "مرکز بررسی شرکتهای فراملیتی سازمان ملل" و از طریق کمکهای فنی و بخش اطلاعات خدماتی و مشورتی آن تقویت شد.

برای موسساتی که به سرمایه‌گذاری در مناطق پردازش صادرات می‌پردازند جذابیت این مناطق صرفاً در پائین بودن سطح دستمزدها در مقایسه با کشورشان نبوده است، بلکه این واقعیت نیز که در مناطق مدرن مذکور همه چیز برای شروع کار با سهولت و بدون تاخیر فراهم بوده اثر داشته است. آن دسته از مناطق پردازش صادرات که به خوبی سازمان یافته بودند، با برخورداری از ساختمانهای پیش ساخته عرضه مطمئن برق، ارتباطات مناسب و محوطه‌سازی زیبا برای سرمایه‌گذاران محتاط و بی تجربه خارجی جذاب بوده‌اند.

نکته دیگر این است که این مناطق از مقررات دست‌وپاگیر اداری و مخالفت‌های

۱- برای نمونه رجوع کنید به

UNCTAD, Export Processing Free Zones in Developing Countries, Implications for Trade and Industrialization Policies (New York) 1985.

اجتماعی سنتی فارغاند و یکی از راههای اجتناب از محدودیت‌های تجاری به‌شمار می‌روند.

توسعه این مناطق با حضور شرکتهای خارجی ارتباطی تنگاتنگ دارد و حتی مشروط به حضور آنهاست. کارفرمایان مبتکر محلی ممکن است در منطقه پردازش صادرات فعال باشند، اما بدون وجود موسسات چندملیتی منطقه پردازش صادراتی وجود نخواهد داشت. در سال ۱۹۸۶ در حدود ۲٪ از ۱/۳ میلیون شغل مناطق پردازش صادرات کشورهای درحال توسعه (باستثنای چین) را شرکتهای چندملیتی دراختیار داشتند. فرآیند بین‌المللی شدن اقتصاد صنعتی جهان بعد از جنگ جهانی دوم اساساً توسط این شرکتهای تحقق یافته است.

امروزه با ظهور شرکتهای چندملیتی درجه دو و سه، سرمایه‌گذاران مناطق پردازش صادرات معمولاً شرکتهای بزرگ و شناخته شده چندملیتی که دهها سال سابقه فعالیت داشته‌اند نیستند، بلکه شرکتهای کوچکتری‌اند که سرمایه‌گذاری آنها در مناطق پردازش صادرات اغلب اولین سرمایه‌گذاری قابل توجه آنها در یک کشور درحال توسعه است. تعدادی از شرکتهای کشورهای درحال توسعه نیز در این میان نقش فعالی دارند.

تحول تکنولوژی حمل و نقل به‌ویژه استفاده از مدرن‌ترین تکنولوژی حمل و نقل یعنی هواپیمای جت شرط اولیه موفقیت یک منطقه پردازش صادرات است. در اهمیت این عامل باید گفت ساختار تولید در مناطق پردازش صادرات تا حدود زیادی توسط ضرورت‌های حمل و نقل تعیین می‌شود.

۳-۱. ساختار مالکیت شرکتهای فعال در مناطق پردازش صادرات

بررسیهای انجام شده در ۱۳ کشور نشان می‌دهد که از ۱۲۶۹ شرکت فعال در مناطق پردازش صادرات آنها ۳۶/۸ درصد با مالکیت خارجی، ۲۴/۸ درصد با مالکیت داخلی و ۳۸/۳ درصد با سرمایه‌گذاری مشترک بوده‌اند. این یافته‌های غیرمنتظره پروژه سازمان بین‌المللی کار و مرکز بررسی فعالیت شرکتهای فراملیتی ملل متحد حاوی دو نتیجه مهم است. اولین نتیجه آن که مناطق پردازش صادرات دقیقاً به‌دلیل مشارکت بسیار گسترده موسسات داخلی، در توسعه صنعتی و تکنولوژیکی کشور میزبان برخلاف آنچه منتقدین مدل صنعتی شدن از طریق پردازش صادرات تصور می‌کنند در پیشرفت صنعتی نقش

دارد و نتیجه دوم آنکه، مناطق پردازش صادرات در جهتی خلاف آنچه که پیشروان ایده مناطق پردازش صادرات پیش‌بینی می‌کردند تکامل یافته‌اند. این مناطق به‌جای آن که محدوده‌ای خاص برای فعالیت سرمایه‌گذاران خارجی باشند، به‌طور روزافزون برای شرکتها و سرمایه‌گذاران داخلی اهمیت می‌یابند.

یکی از پرسشهای مهم در مورد مناطق پردازش صادرات به ساختار مالکیت بنگاههای صنعتی که در این مناطق فعالیت دارند مربوط می‌شود. مقوله مورد نظر صرفاً یک مقوله سیاسی (که چه کسی چه چیزی را کنترل می‌کند) نیست، بلکه به فرآیند توسعه صنعتی و تکنولوژیکی نیز ارتباط دارد. هرگاه بتوان علاوه بر جلب سرمایه خارجی، سرمایه‌گذاری داخلی را نیز در مناطق پردازش صادرات ترغیب کرد (بخصوص به‌صورت مشارکت با سرمایه خارجی) از نظر توسعه اقتصادی مطلوبتر خواهد بود.

تاریخ کشورهای صنعتی حاکی از آن است که یکی از بزرگترین کمکهایی که سرمایه‌گذاران خارجی به توسعه این کشورها کرده‌اند از طریق سرمایه‌گذاری اولیه و همزمان با آن انتقال تکنولوژی نبوده است. بلکه بیشتر از طریق فرآیند ادغام تدریجی این سرمایه‌گذارها در اقتصاد کشور میزبان و استحاله تدریجی شعبات فرعی شرکتها خارجی به‌صورت موسسات عمده داخلی صورت گرفته است.^۱

۱-۴. روند تقاضا برای مناطق پردازش صادرات

مناطق پردازش صادرات را گرچه نمی‌توان به‌مثابه محور اصلی توسعه اقتصادی تلقی کرد. اما اگر خوب طراحی شوند می‌توانند در رشد اقتصادی موثر باشند. گفتنی است که نوع سرمایه‌گذاران و بازارهایی که آنها بدان معطوفند جملگی در حال تغییر است و حتی در اواخر دهه ۱۹۸۰ تغییرات اساسی تری وقوع یافته است. کشورهای میزبان نیز مجموعه انگیزه‌های پیشنهادی خود را به سرمایه‌گذاران تغییر می‌دهند. بخشی از این تغییر برای جوابگویی به نیازهای بازار است و بخشی از آن انعکاس تغییر در

۱- اثرات اقتصادی و اجتماعی شرکتها چندملیتی در مناطق پردازش صادرات، همانجا، ص ۳۶ و

اولویت‌های خود این کشورهاست. این تحولات نیز در حال اوج‌گیری است. سرمایه‌گذاری جدید شرکت‌های چندملیتی در قطعات الکترونیکی به استثنای کشورهای مهم تازه صنعتی شده و احتمالاً چین، بنظر نمی‌رسد زیاد باشد. چنین سرمایه‌گذاری به صورت سرمایه‌گذاری مجدد شرکت‌های موجود در محدوده کشورهای آسیایی خواهد بود. پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۰۰ در حدود ۵۰ درصد چیپس‌های کامپیوتری توسط کشورهای آسیایی تولید خواهد شد. روند آتی تقاضای بازار بنظر می‌رسد به صورت آهسته شدن نرخ رشد باشد تا افول. بازار بیشتر در جهت عرضه کالاهای مصرفی الکترونیکی که تقاضای آن در بازارهای منطقه‌ای روبه افزایش است کار خواهد کرد.

چشم‌انداز رشد در پوشاک و محصولات نساجی مبهم است. گرایش طبیعی گسترش این صنایع عمدتاً به واسطه اثرات سیاست‌های حمایتی کشورهای پیشرفته واردکننده کند می‌شود. این مسئله در توافقنامه Multi-Fibre انعکاس یافته است. با رشد بیکاری در کشورهای پیشرفته این گرایش حمایتی تداوم خواهد یافت. ایالات متحده سهمیه وارداتی پوشاک از هنگ کنگ را محدود ساخته است. ساختار صنعت نیز برای اولین بار با معرفی میکروپروسورها ممکن است به‌طور اساسی دگرگون شود. کار "هوف" و "روشه" از واحد تحقیق سیاست علمی دانشگاه ساکس نشان می‌دهد که تکنولوژی کامپیوتری در زمینه انطباق بهینه طرح بر پارچه و برشکاری می‌تواند زمان لازم در این مرحله را به‌ازای هر لباس از یک ساعت فعلی به ۴ دقیقه تقلیل دهد. در این صورت صرفه‌جویی در ضایعات پارچه می‌تواند بین ۸ تا ۱۵ درصد باشد (EIU). تکنولوژی جدید، مدیریت و کنترل کیفی را تسهیل خواهد کرد.

این روندها می‌تواند تفاوت‌های میان تولیدکنندگانی را که با تکنولوژی ساده کار می‌کنند با آن دسته از تولیدکنندگان کشورهای در حال توسعه را که با تکنولوژی پیشرفته کار می‌کنند شدت بخشد. از یک سو تولیدکنندگان هنگ‌کنگی همین‌طور تولیدکنندگان ملی در تایوان و کره جنوبی (که خارج از مناطق پردازش مستقرند) انگیزه‌های جدیدی برای ارتقای کیفیت محصول خود می‌یابند و فعالیت خود را به عرضه بازاریابی و طراحی گسترش می‌دهند. از سوی دیگر احتمال کمی دارد که فرآیند چرخ‌کاری بصورت اتوماتیک درآید. کمپانی‌های جهان سوم همراه با تولیدکنندگان اروپایی و ایالات متحده

تمایل دارند این بخش از کار را به آن دسته از کشورهای در حال توسعه که در موقعیت مکانی مناسبتری قرار دارند بصورت قرارداد دست دوم (Sub Contract) واگذار کنند. بازارهای محلی برای بخشهای دیگر صنعت اهمیت روزافزونی خواهند یافت. هم در مناطق جدیدی که از سال ۱۹۷۸ تاسیس شده‌اند و هم در مناطقی که در سال ۱۹۸۳ وجود داشتند، شرکت‌های فعال در زمینه منسوجات و صنایع غیرالکترونیکی که علاقمند به بازارهای محلی بوده‌اند اهمیت روزافزونی کسب می‌کنند. ناحیه جدید کراچی که به جلب شرکت‌های علاقمند به بازار خاورمیانه پرداخته، شرکت‌های جدید در کاندلا و سانتا کروز در هند که در جستجوی بازارهای اروپای شرقی بوده‌اند، سرمایه‌گذاران خارجی در چین (در نواحی ویژه اقتصادی) که از طریق دسترسی انتخابی به بازار چین جلب شده‌اند و برای بازارهای محلی و صادراتی هنگ‌کنگ تولید می‌کنند از آن جمله‌اند. همه این نواحی در سال ۱۹۸۵ پروژه‌های مصوب عمده‌ای داشته‌اند که به تولید نرسیده بودند. در نواحی دیگر مانند سنگال، سرمایه‌گذاری به دلیل عملکرد نامناسب بازار منطقه‌ای متوقف شده است.

کشورهای با درآمد متوسط ممکن است به‌طور روزافزون به انتقال تکنولوژی علاقمند باشند، حوزه‌ای که نتایج حاصل تا امروز چندان امیدبخش نبوده. این کشورها ممکن است به‌منظور ترغیب انتقال تکنولوژی استقرار نواحی "تکنولوژی بالا" یا پارک‌های صنعتی بر پایه الگوی تایوان را مورد توجه قرار دهند و این کار را با استفاده از انگیزه معافیت گمرکی و حداقل کردن بوروکراسی انجام دهند. مکان‌های بالنسبه محدودی وجود دارند که در آنجا محیط لازم برای نیروی کار تحصیل کرده (از نظر تکنولوژیک) و دسترسی به یک بازار رشد‌یابنده برای کالاهای تخصصی فراهم است. این تحولات ممکن است مقدماً به کشورهای نظیر چین، و کشورهای تازه صنعتی شده آسیای جنوب شرقی، هند و آمریکای جنوبی محدود باشد. این کشورها به انگیزه‌های قابل توجهی در زمینه سرمایه‌گذاریهی توأم با ریسک (Risk Capital) و ترغیب بازار نیاز دارند.

۱-۵. تغییر در انگیزه‌ها

۱- دسترسی بیشتر به بازار محلی ضروری است. برای شرکت‌هایی که به یک بازار منطقه‌ای

علاقتمندند محیط معاف از حقوق و عوارض گمرکی همچنان جاذبه خواهد داشت، چرا که تأخیرهای ناشی از بوروکراسی هزینه زیادی دربردارد. معذالک دسترسی محدود به بازار محلی ممکن است مطلوب باشد. در آن صورت ممکن است کشورهای دیگر نیز در زمینه ارائه دسترسی انتخابی به بازارهای داخلی از چین، هند و مکزیک پیروی کنند. تخفیفهای گمرکی را می توان مانند چین از موردی به مورد دیگر متفاوت تعیین کرد.

۲- به مشارکت محلی بیشتر نیاز هست. برغم آن که در مناطق اولیه پردازش صادرات انتظار می رفت تقریباً تمام سرمایه از ماوراء بحار جذب شود، در آینده به مشارکت محلی بیشتر نیاز خواهد بود. این امر تاحدی ناشی از نیاز به سرمایه گذاری بیشتر در پروژه های بالقوه جدید است و تاحدی به این دلیل که بنظر می رسد سرمایه گذاران در برخی از بخشهای صنعتی جدیدتر، سرمایه گذاری مشترک را ترجیح می دهند (ترجیحاً با کسانی که قبلاً ارتباط نزدیک تجاری با آنها داشته اند).

۳- همه مناطق پردازش صادرات موفق نخواهند بود. اثر احتمالی این روندها موجب خواهد شد که اختلاف بین مناطق موفق که به گسترش و تنوع فعالیت خود ادامه می دهند و اکثریت عظیم مناطقی که راکد باقی می مانند و اقلیتی که کاملاً شکست می خورند تشدید شود. برای ادامه فعالیت منطقه پردازش صادرات در آینده نیز وجود ثبات اقتصادی ضروری خواهد بود. با توجه به این که اکثر شرکتهای در بازارهای شدیداً رقابتی فعالیت دارند. وجود بوروکراسی کارآمد، سیستم حمل و نقل ارزان و زیرساختهای مناسب همچنان برای حفظ سرمایه گذاران موجود و گسترش آتی کار آنها ضرورت خواهد داشت. نیازهای سرمایه گذاران جدید با تاکید بر بازارهای منطقه ای، دسترسی به سرمایه محلی، موقعیت مکانی متنوع برای محوطه های صنعتی، جملگی در خدمت برتری اقتصادی پیشرفته تر است. چشم اندازهای یک منطقه پردازش صادرات در یک کشور کوچک توسعه نیافته که جاذبه اصلی آن عرضه نیروی کار ارزان است خوب نیست حتی اگر مدیریت آن قابل باشد.

۱-۶. اثرات اقتصادی مناطق پردازش صادرات

کشورهای در حال توسعه، مناطق پردازش صادرات را برای تشویق توسعه صنایع صادراتی برپا می دارند. در این مناطق انتظار می رود که سرمایه گذاری خارجی عامل محرک اصلی باشد. به طور مشخص تر اهداف دولتهای میزبان را می توان به این شرح

طبقه‌بندی کرد:

- الف - ایجاد درآمدهای ارزی
- ب - به وجود آوردن فرصت‌های اشتغال
- ج - جذب سرمایه خارجی و تکنولوژی پیشرفته
- د - کسب و ارتقاء مهارت‌های نیروی کار و مدیریت
- ه - ایجاد حلقه‌های ارتباطی میان مناطق پردازش صادرات و اقتصاد محلی

اگر بخواهیم تاثیر اقتصادی مناطق پردازش صادرات صنعتی را در ارتباط با اهداف بلندپروازانه‌ای که بسیاری از کشورهای در حال توسعه از کارکرد این مناطق انتظار داشته‌اند مقایسه کنیم، باید به صراحت گفته شود که این مناطق سهم قابل ملاحظه‌ای در توسعه اقتصادی کشورهای میزبان نداشته‌اند. در زیر اثرات اقتصادی این مناطق مورد ارزیابی قرار گرفته است:

۱-۶-۱. اشتغال

فرصت‌های شغلی در مناطق پردازش افزایش یافته است. اما کارهای سطح پائینی برای زنان ایجاد شده است. در مناطق پردازش صادرات بخش مهم فرصت‌های شغلی مربوط به نیروی کار غیرماهر بوده است. اشتغال در مناطق پردازش صادرات به علت تمرکز در زمینه‌های صنایع الکترونیک و پوشاک به صورت دوره‌ای است و عمدتاً مربوط به زنان است. برای غالب کشورهای که اطلاعات در دست است ۷۵ درصد اشتغال مربوط به زنان می‌شده است. مزدها عموماً نازل است و فرصت‌های پیشرفت در کار ناچیز. به خاطر شدت کار و درگیری چشم در صنایع الکترونیک شرکت‌های مربوط نسبت به استخدام زنان بالاتر از ۲۵ سال بی‌میل هستند. کار نوبتی عموماً متداول است. تغییر کارکنان بخصوص در صنایع الکترونیک بالا است.

گرچه مدارک چندانی در دست نیست، اما به نظر می‌رسد توسعه مهارت بیش از هر جای دیگر در زمینه مدیریت بوده باشد. معمولاً کل مدیریت شرکتها بجز مدیریت سطح بالا را کارکنان محلی در اشتغال دارند. گرچه به‌ویژه در رشته قطعات الکترونیک فقط بخشی از فرآیند به کشور میزبان انتقال می‌یابد، لیکن این امر از انتقال تکنولوژی

ممانعت می‌کند نه از انتقال دانش مدیریت. اشتغال نیروی کار غیرماهر هم در گزارش EIU و هم در گزارش انکتاد^۱ مورد تأیید قرار گرفته است.

۱-۶-۲. صادرات ناخالص و ارزش افزوده داخلی

برای کشورهایایی که اطلاعات در دست است، تولید صنعتی معاف از گمرک سهم مهمی در صادرات صنعتی دارد و حداقل در هشت کشور (هنگ کنگ، مالزی، فیلیپین، سنگاپور و تایوان در مناطق پردازش آسیا و موریس و مکزیک و احتمالاً تونس و مناطق موجود در بخشهای دیگر جهان) در حدود ۲۰ درصد صادرات صنعتی یا بیشتر به این مناطق تعلق دارد.

منافع خالص ارزی بسیار کمتر از منافع ناخالص ارزی است. تفاوت میان صادرات محصولات نهایی و واردات مواد اولیه، قطعات و کالاهای سرمایه‌ای حداکثر منافع ارز خارجی را مشخص می‌سازد. در همه مواردی که اطلاعات وجود داشته محتوای واردات ۶۰ درصد بوده است. برای مثال در سریلانکا در سال ۱۹۸۳، این نسبت ۶۸ درصد و در مکزیک در سال ۱۹۷۷ در حدود ۷۵ درصد بوده است. البته محتوای واردات به ترکیب صنایع موجود در مناطق پردازش صادرات بستگی دارد (گزارش EIU).

سهم ارزش افزوده داخلی در صادرات مناطق پردازش به‌طور معمول فراتر از ۲۵ درصد نیست، اما می‌تواند بسیار کمتر باشد. دستمزد پرداخت شده به کارکنان تولید در واقع بخش اعظم ارزش افزوده داخلی را دربر می‌گیرد. شواهد موجود حاکی از آن است که حداقل سهم درآمد نیروی کار در ارزش افزوده ۷۰ درصد است. بقیه آن به‌طور عمده مربوط به هزینه‌های واحدهای صنعتی برای خدمات عمومی و خصوصی محلی شامل اجاره زمین و ساختمان است. درآمد حاصل از فروش نهاده‌های قابل مبادله در بازار جهانی به کمپانی‌های مستقر در مناطق پردازش صادرات در اغلب موارد قابل چشم‌پوشی است و درخور توجه نیست (UNCTAD).

1. United Nations Conference on Trade and Development "Export Processing Free Zones in Developing Countries Implications for Trade and Industrialization Policies" New York, 1985.

۱-۶-۳. خرید مواد اولیه از کشور میزبان

محتوای بالای وارداتی محصولات مناطق پردازش صادرات در طی سالیان، حاکی از این است که اثرات ارتباطی آنها (linkage effects) با اقتصاد محلی ناچیز است. مهمترین عامل تعیین کننده ارزش افزوده محلی صورتحساب مزدها است که معمولاً بین ۱۰ تا ۱۸ درصد ارزش فروش را بسته به صنعت در برمی گیرد. اطلاعات موجود در مورد برخی از مناطق پردازش حاکی از این است که حداکثر ۴ درصد مواد اولیه از بازار محلی خریداری شده است (EIU).

۱-۶-۴. تقاضای خدمات محلی و درآمد ثانویه ناشی از آن

بطور معمول مخارجی که برای خدمات محلی انجام می شود بیش از خرید مواد اولیه به ایجاد درآمد ثانویه کمک می رساند، در سال ۱۹۷۹ در مکزیک ۱۰۶ میلیون دلار صرف چنین خدماتی شده است. این مبلغ معادل یک سوم مخارج صرف شده برای حقوق و دستمزد بود. در سریلانکا نیز مخارج خدمات در سال ۱۹۸۰ در حدود ۲۴ درصد مخارج دستمزد و حقوق بوده است. چنین مخارجی برخلاف خرید مواد اولیه برحسب صنعت نوسان ندارد. درآمد ایجاد شده از این طریق شامل فعالیتهای حرفه‌ای گسترده فنی و تخصصی است (EIU).

۱-۶-۵. نرخ موفقیت بالا در میان شرکتهای چند ملیتی

گرچه اثرات ارتباطی (linkage effects) در بهترین صورت اندک بوده، هیچ نشانه‌ای از این که مناطق پردازش سرمایه گذاران گریز پایی را جذب کرده اند که عملیات خود را به دنبال تغییر در دستمزدها و مالیاتها از یک ناحیه به ناحیه دیگر انتقال می دهند در دست نیست. مطالعاتی که در مورد نرخ شکست موسسات صنعتی انجام شده (در سنگاپور در مورد شرکتهای تشکیل شده از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۸ و در باتان از ۱۹۷۳ تا ۱۹۸۳) معلوم شده که نرخ موفقیت در میان سرمایه گذاریهای با مالکیت صددرصد خارجی از کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) بالاتر از شرکتهای دیگر بوده است.

نرخ شکست در میان شرکتهای مختلط و شرکتهای متعلق به کشورهای در حال توسعه

و شرکتهای کشور میزبان بالاتر بوده است.

۱-۶-۶. سرمایه گذاری خارجی

اطلاعات موجود در مورد مناطق پردازش نشان می دهد که این مناطق عموماً در جلب سرمایه گذاری خارجی موفق بوده اند، معذالک صنایع مستقر در مناطق بسیار کاربر بوده است و سرمایه سرانه ایجاد شده به ویژه در صنایع الکترونیک و پوشاک پائین بوده است گرچه سرمایه سرانه مورد نیاز برحسب رشته های مختلف بسیار متفاوت است، در بخشهای دیگر بالاتر از این است (جدول ۱).

اگر قرار باشد صنایع مناطق پردازش صادرات رشد یابند سرمایه بیشتری نیاز خواهند داشت. منابع وام صنعتی برای توسعه صنایع تکنولوژی بر و گسترش صنایع مستقر در مناطق پردازش صادرات ضروری است.

۱-۶-۷. هزینه بالای ایجاد مناطق پردازش صادرات

تجربه سالهای گذشته حاکی از ضرورت برنامه ریزی دقیق مناطق پردازش صادرات است. در واقع هزینه ایجاد این مناطق از جایی به جای دیگر بسیار متفاوت است. مثلاً هزینه ایجاد منطقه باتان در فیلیپین دوبرابر دو ناحیه صنعتی دیگر آن کشور (بازای هر هکتار) گردید. این هزینه سه برابر هزینه ای است که در سنگاپور صرف ایجاد یک هکتار منطقه صنعتی می شود. $1/8$ میلیارد دلار سرمایه گذاری در منطقه ویژه اقتصادی Shen Zhen چین فقط براساس معیار توسعه سیاسی و اقتصادی عمومی قابل توجیه است.

هزینه اداره امور منطقه صنعتی نیز می تواند بالا باشد. تنها تعداد انگشت شماری از مناطق پردازش صادرات می توانند هزینه های جاری خود را از محل درآمد حاصل از اجاره و دریافت های دیگر از موسسات موجود در منطقه پردازش تأمین کنند. در واقع این قبیل هزینه ها بار اندکی بر موسسات مستقر در مناطق پردازش صادرات می گذارد و احتمالاً در تصمیمات سرمایه گذاری اهمیت ناچیزی دارد.

قابلیت دوام منطقه صنعتی عمدتاً به این بستگی دارد که در مدت کوتاهی سرمایه گذاری کافی به آن جلب شود. فاصله های کاملاً کوتاه می تواند بر مطلوبیت منطقه اثر بگذارد. این مطلب توصیه می شود که نه تنها عرضه نیروی کار محلی خوب باشد، بلکه لازم است منطقه صنعتی در مسافت مناسبی از محل استقرار نیروی انسانی قرار

جدول ۱- سرمایه سرانه در برخی از بخشهای صنعتی (به دلار)

تایوان ۱۹۸۳	فیلیپین ۱۹۷۸	سریلانکا ۱۹۸۳	
۱۶۷۰	۶۸۰۰	۱۶۱۹	پوشاک
۴۶۳۰	کشایف
۳۸۹۴	۱۷۸۰	۷۶۶	محصولات الکترونیک
۵۰۱۲	۱۶۷۵۳	۵۸۱۳	محصولات دیگر
—	۱۲۳۰۰	۲۵۰۹۲	محصولات لاستیکی
—	—	۲۲۱۲	جواهرات و Lapidary
—	۷۶۵۰	۶۲۲۶	کفش
—	۵۲۷۰۰	...	محصولات چوبی
۲۹۱۲	۳۲۶۰	۹۷۹	محصولات پلاستیکی
—	—	۳۹۰۱	متفرقه
۵۲۰۰	—	—	محصولات چرمی
۵۹۲۰	—	—	صنایع دستی
۱۱۲۳۰	—	—	محصولات اپتیک
۶۰۹۹	—	—	محصولات فلزی

ماخذ: گزارش EIU

داشته باشد.

یکی از کارشناسان انکتاد در سال ۱۹۸۳ در کنفرانس مناطق پردازش صادرات توصیه کرده است که به جای انگیزه‌های مالیاتی، انگیزه‌های مالی برای آموزش نیروی کار و تقلیل هزینه تکنولوژی و سرمایه به کار گرفته شود (برای مثال کمک‌های سرمایه‌ای برای ماشین‌آلات جدید و وجوه لازم برای تحقیق و توسعه).

۱-۶-۸. صرفه‌های خارجی^۱

چنین به نظر می‌رسد که عملیات مناطق پردازش صرفه‌های خارجی قابل ملاحظه‌ای در برناردارد. شواهد موجود در باب نواحی صنعتی فعال حاکی از این است که فعالیتهای صنعتی مناطق آزاد سبب ایجاد نیروی کار تربیت شده‌ای که بعد از ترک ناحیه صنعتی بتواند در بخش صنعت کشور میزبان به کار اشتغال یابد، نشده است. خصلت منزوی مناطق پردازش صادرات و تفاوت‌های موجود میان فرآیندهای تولید در مناطق پردازش و بخشهای محلی نیز به میزان قابل ملاحظه‌ای از اثرات یادگیری و نمایشی (Demonstration Effects) در کشورهای میزبان کاسته است.

۱-۶-۹. درآمد ارزی کشورهای میزبان

عایدات ارزی ایجاد شده برای کشورهای میزبان توسط نواحی صادراتی آزاد عبارتست از مبلغی که بابت ارزش افزوده داخلی بدست می‌آید و بنابراین عمدتاً به صورت حساب دستمزدها و برخی از هزینه‌های شرکتها برای خدمات محلی محدود می‌شود. رقم خالص صادرات، یعنی درآمدهای حاصل از فروشهای صادراتی منهای نهاده‌های وارداتی، مبلغ واقعی ارز خارجی را که در کشور میزبان باقی می‌ماند نشان نمی‌دهد. چرا که بخش اعظم سود حاصل از سرمایه‌گذاری خارجی به کشورهای دیگر انتقال می‌یابد و لزوماً در کشور میزبان نگهداری نمی‌شود. بهمین ترتیب ذخایر کنار گذاشته شده بابت استهلاکات نیز الزاماً در کشور میزبان نگهداری نمی‌شود. درآمد مالیاتی از ناحیه صادراتی آزاد نیز چندان درخور توجه نیست. چرا که در اغلب موارد

کشورهای میزبان برای سرمایه گذاران خارجی معافیت مالیاتی درازمدت قائل می شوند. در جایی که مالیات هم پرداخت شود، دستکاری در قیمت‌های معاملاتی می تواند سودهای مشمول مالیات شعبات شرکتها را در نواحی صنعتی کاهش دهد. بر اساس منابع بانک جهانی درآمد ارزی نواحی صنعتی در اغلب موارد بین ۲۰ تا ۴۰ درصد ارزش صادرات از این نواحی است.

۱۰-۶-۱. تجربه مناطق پردازش صادرات در جمهوری دومینیکن

سابقه مناطق پردازش در این جمهوری به سال ۱۹۶۹ می رسد. در سال ۱۹۸۵ تعداد ۴ منطقه پردازش در این کشور فعال بودند. از آن پس تعداد این مناطق و اشتغال در آنها به سرعت بی سابقه‌ای افزایش یافت. در ژوئن سال ۱۹۹۰ تعداد ۱۹ منطقه با زیربنای کل ۸/۱۴ میلیون فوت مربع وجود داشت. از این تعداد ۸ منطقه بصورت خصوصی اداره می شود و در مالکیت خصوصی است، ۷ منطقه بصورت عمومی اداره می شود و در مالکیت دولت است و ۴ منطقه به دولت تعلق دارد، لیکن توسط بخش خصوصی اداره می شود. در سال ۱۹۹۰ تعداد ۶ منطقه صنعتی جدید در دست احداث بود.

در سال ۱۹۸۰ اشتغال مستقیم در مناطق پردازش به حدود ۱۸۳۳۹ نفر می رسید. این رقم در سال ۱۹۸۵ به ۸۵۴۶۸ نفر رسید و در سال ۱۹۸۹ از ۱۱۲۰۰۰ نفر فراتر رفت. در طی دهه ۸۰-۱۹۷۰ اشتغال در مناطق پردازش این کشور با نرخ رشد سالانه ۴۴ درصد افزایش یافت. اما در دهه ۸۹-۱۹۸۰ نرخ رشد به ۲۳ درصد تنزل یافت. معذالک از سال ۱۹۸۶ نرخ رشد مجدداً به ۲۹ درصد افزایش یافته است.

بانک جهانی در سال ۱۹۹۰ یک بررسی نمونه‌ای در مناطق پردازش دومینیکن انجام داده است. در این بررسی با ۶۴ نفر از مدیران موسسات تولیدی مستقر در این مناطق مصاحبه به عمل آمده است و پرسشنامه‌هایی (که در آن همکاری خارجی و داخلی، صادرات، منابع انسانی، توسعه بخش خصوصی، سیاست‌های مربوط به ایجاد موقعیت برابر، از نظر زیر ساختها توجه شده بود) در میان آنان توزیع گردیده است. در اینجا نتایج مقدماتی این بررسی

نقل می شود.^۱

۵۷ درصد شرکتهای نمونه در طی مدت ۵ سال قبل از زمان تحقیق یاد شده دایر شده بودند. کشورهای سرمایه گذار در شرکتهای نمونه برحسب اهمیت عبارت بوده اند از ایالات متحده (۵۳ درصد) جمهوری دومینیکن (۲۳ درصد)، کشورهای تازه صنعتی شده (۱۱ درصد) مشارکت (۳ درصد) سایر ملیتها (۲ درصد) نامشخص (۹ درصد). نقش منطقه پردازش در توسعه صنعتی با توجه به عامل صادرات، توسعه منابع انسانی و توسعه بخش خصوصی مورد ارزیابی قرار گرفته است. نزدیک به ۸۰ درصد پاسخ دهندگان به پرسشها گفته اند که بدون دریافت نهادهای لازم از شرکت اصلی قادر به صدور کالا نمی بودند. در اینجا پاسخ به این سؤال که بهترین راه ورود به بازار جهانی چیست؟ ارائه شده است.

شرکتهای واقع در مناطق پردازش سهم عوامل خارجی را در موفقیت صادرات به شرح جدول شماره ۲ ارزیابی کرده اند.

جدول شماره ۲- اهمیت نسبی عواملی که توسط شرکتهای خارجی به جمهوری دومینیکن آورده شده در صادرات از آن کشور

عوامل موثر	اهمیت نسبی ^۲ (به درصد)
الف) مدیریت فنی و بازاریابی	۳۲
ب) شبکه بازار مستقر در سایر کشورها	۳۰
ج) توان تلفیق عوامل (الف، ب و د) با قابلیتهای کارفرمایی	۲۸
و منابع انسانی محلی	۱۰
د) سرمایه	
جمع	۱۰۰

1. The World Bank Industry and Energy Department, PRE: Free Trade Zones in Export Strategies, Dec. 1990.

۲- فراوانی نسبی هر عامل در فراوانی کل عوامل

این نکته که موسسات و شرکتهای صنعتی به عوامل مذکور در بندهای الف، ب و ج (جدول ۲) اهمیت بیشتری در مقایسه با سرمایه قائلند بسیار درخور توجه است. نتیجه‌ای که می‌توان گرفت این است که کمبود سرمایه را می‌توان با استقرار خارجی یا داخلی حل کرد، اما دسترسی به سه عامل دیگر مستلزم همکاری مستقیم با آن دسته از شرکتهای افراد خارجی است که این اطلاعات را در اختیار دارند و به شبکه صادرات دسترسی دارند. این نکته به ما می‌آموزد که باید از نقطه نظر مرسوم و متعارفی که در تشخیص اولویت‌های کشورهای در حال توسعه به سرمایه و جریان کالاها اهمیت قایل می‌شود دست برداشت و به اهمیت حیاتی دانش و اطلاعات مربوط به صادرات صنعتی و ایجاد ظرفیت (از جمله در زمینه شبکه بازاریابی و فروش) توجه کرد. این نکته همچنین اهمیت شرکتهای خارجی را در انتقال دانش فنی به کشورهای در حال توسعه بازگو می‌کند. نقشی که بسیار مهمتر از انتقال منابع مالی است.

مالکیت و مدیریت در حدود ۲۰ درصد شرکتهای مستقر در مناطق پردازش کشور دومینیکن صد درصد داخلی است. از ۱۱ شرکت داخلی مورد بررسی ۵ شرکت از صدور بخشی از محصول خود و یا از تولید محصولات جایگزین واردات به صدور ۱۰۰ درصد محصولات خود به بازار خارجی روی آورده‌اند. اما ۴ شرکت در اصل خارجی بوده‌اند که بوسیله مدیران اهل دومینیکن خریداری شده‌اند. در ۲ مورد دیگر نیز مدیران سابق شرکتهای خارجی مستقر در منطقه پردازش به تازگی شرکت جدیدی را تاسیس کرده‌اند. بطوریکه ملاحظه می‌شود در نیمی از موارد مدیران محلی با کسب مهارتهای لازم توانائی ایجاد کسب و کار مستقل را بدست آورده‌اند. در همه موارد بررسی شده شرکتهای داخلی مستقر در منطقه آزاد نقش تسهیل کننده در تجهیز مدیریت، سرمایه و نیروی کار محلی برای سوگیری برون‌گرا داشته‌اند. این نکته به ما می‌آموزد که اجازه فعالیت به شرکتهای صد درصد داخلی در مناطق پردازش سیاست مطلوبی است. چرا که این امر سبب می‌شود که منابع سرمایه و مدیریت محلی به فعالیتهای صادراتی سوق یابند و موجب افزایش کسب مهارت توسط مدیران داخلی شود.

تا جایی که به بازاریابی صادرات مربوط است، نتایج بررسی نشان می‌دهد که اغلب شرکتهای ایالات متحده در مناطق پردازش دومینیکن محصول خود را به کمپانی‌های مادر می‌فروشند، یعنی خود آنها پیمان‌کارند (Sub Contractors). اما برعکس این

مورد، شرکت‌های متعلق به کشورهای تازه صنعتی شده از طریق واسطه‌هایی که خود شرکت فرعی شرکت‌های مادر مستقر در ایالات متحده‌اند به تجارت با عمده‌فروشان، خرده‌فروشان یا تجار واردکننده اشتغال دارند.

مسئله مهم دیگر رابطه شرکت‌های منطقه پردازش با کمپانیهای مادر، خریداران و دیگران از نظر تعیین مشخصات محصول، علائم تجاری و تامین نهاده‌های تولید است. شرکت‌های ایالات متحده از هر سه نظر اساساً متکی بر کمپانیهای مادر هستند. آنها در ۶۳ درصد موارد از نظر تعیین مشخصات محصول، در ۷۹ درصد موارد از نظر علائم تجاری و در ۸۱ درصد موارد از نظر تامین نهاده‌ها این وابستگی را نشان می‌دهند. درحالی‌که شرکت‌های محلی عمدتاً از این نظرها به خریداران ایالات متحده متکی‌اند. در مورد شرکت‌هایی که از کشورهای تازه صنعتی شده آسیای جنوب شرقی آمده‌اند، نقش خریداران در تعیین مشخصات محصول و علائم تجاری اهمیت اساسی دارد، اما خرید مستقیم و شرکت‌های مادر آنها منابع اصلی تامین مواد اولیه و نهاده‌های واسطه‌ای محسوب می‌شود.

در زمینه توسعه منابع انسانی یافته‌های این بررسی با یافته‌های سایر تحقیقات موسسات بین‌المللی متفاوت است. بسیاری از پاسخ دهندگان نظر داده‌اند که سهم منطقه پردازش در کسب دانش فنی و دانش مدیریت قابل توجه است (جدول ۳).

منحنی یادگیری تخمین زده شده^۱ این نکته را تأیید می‌کند که کسب مهارت نیروی کار بخصوص در سالهای اول شروع به کار شرکتها (که با رشد بهره‌وری نیروی کار اندازه‌گیری شده است) با اهمیت است. نکته درخور توجه این است که حداکثر بهره‌وری قابل حصول در مورد شرکت‌های امریکایی و محلی، ۸۴ درصد بهترین بهره‌وری کار بدست آمده در کارخانجات امریکایی است. در مورد شرکت‌های متعلق به کشورهای تازه صنعتی شده این رقم کمتر و در حدود ۶۹ درصد بهترین بهره‌وری نیروی کار در کارخانجات این کشورها است.

در شرکت‌های امریکایی مستقر در منطقه پردازش در ظرف ۵ سال از زمان شروع

1. Estimated Learning Curve.

جدول ۳: میزان مشارکت شرکتهای مناطق پردازش در توسعه منابع انسانی و در کسب

آگاهی و ظرفیت تلفیق

ظرفیت تلفیق عوامل مورد نیاز برای صادرات بامتابع محلی	دانش بازاریابی	دانش فنی	دانش مدیریت	
				نظر شرکتهای در مورد اثر آنها:
٪۲۲	٪۲	٪۳۳	٪۱۳	زیاد
٪۱۳	٪۳۳	٪۵۱	٪۶۳	قابل توجه
٪۴۸	٪۳۱	٪۱۳	٪۱۹	کم
٪۱۳	٪۳۳	٪۲	٪۴	هیچ
٪۴	٪۲	٪۲	٪۲	قابل کاربرد نیست
٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	کل پاسخها
۲۳	۵۵	۵۵	۵۴	تعداد شرکتهای

به کار، بهره‌وری نیروی انسانی از ۵۳ درصد حداکثر بهره‌وری قابل حصول در منطقه پردازش به ۹۰ درصد آن رسیده است. در همان حال برای شرکتهای کشورهای تازه صنعتی شده در ظرف ۶ سال بهره‌وری نیروی کار از ۴۳ درصد حداکثر بهره‌وری قابل حصول این شرکتهای در منطقه پردازش به ۹۰ درصد آن رسیده بود.

یک عامل عمده که در رشد بالای بهره‌وری دخالت داشته، عبارت بوده است از آموزش در جریان کار^۱ به وسیله نیروی کار غیر ماهر و به دنبال آن یادگیری از طریق انجام کار^۲. مدیران صنایع گزارش کرده‌اند که پس از حدود ۷۰ روز آموزش حین کار، کارگران ساده باید سه ماه کار کنند تا به کارگران نیمه ماهر تبدیل شوند. اینان به نوبه خود پس از ۶ ماه دیگر یادگیری از طریق انجام کار به کارگران ماهر تبدیل می‌شوند. ۸۵ درصد

1. On job training
2. Learning by doing.

کارگران ماهر و نیمه‌ماهر اهل دومینیکن که در مناطق پردازش اشتغال به کار داشته‌اند، از میان کارگران غیرماهر استخدام شده‌اند. آمار نشان می‌دهد که اینان در غیاب چنین آموزشهایی یا بیکار باقی می‌ماندند و یا آنکه درآمدشان ۴۰ درصد کمتر از مزد رایج نیروی کار غیرماهر در شرکتهای فعال در منطقه پردازش می‌بود.

در سال ۱۹۹۰ در ۶۴ شرکت نمونه ۲۰ مدیر اهل دومینیکن وجود داشتند. در زمان استقرار اولیه این شرکتهای تعداد این مدیران فقط ۱۰ نفر بود. تعداد متوسط پرسنل فنی خارجی در شرکتهای نمونه از زمان تاسیس آنها نیز کاهش یافته بود. در همان زمان تعداد متوسط پرسنل فنی داخلی به‌طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته بود.

به‌نظر می‌رسد که کارگران ماهر از طریق جابجایی از شرکتهای خارجی و داخلی به شرکتهای جدیدی که در منطقه پردازش شکل گرفته‌اند موجب توسعه بخش خصوصی شده باشند. اما بنظر نمی‌رسد که این اثر شامل حال بخش خصوصی خارج از منطقه آزاد شده باشد. احتمالاً این پدیده ناشی از فرصتهای کسب و کار و محیط مساعدتر کسب و کار در درون مناطق آزاد است.

در بررسی انگیزه شرکتهای در زمینه ورود به منطقه پردازش نیز نتایج جالب توجهی بدست آمده است.

تا جایی که موضوع به سیاستهای صادراتی باز می‌گردد که موجب می‌شود شرکتهای مناطق پردازش از نظر رقابت با شرکتهای صادرکننده در کشورهای دیگر در موقعیت برابر قرار گیرند. کارآیی سیاستها در جدول ۴ نشان داده شده است.

تا جایی که مساله به زیرساختها باز می‌گردد. پاسخ دهندگان گفته‌اند که موقعیت فرودگاه و تسهیلات بندری به‌طور کامل جوابگوی نیازهای آنان است. تاخیرها بیشتر ناشی از بوروکراسی است تا حجم بارگیری و تخلیه کالا. حمل و نقل جاده‌ای در مجموع کافی بوده است (جدول ۵).

۱-۸. ارزیابی مناطق پردازش صادرات صنعتی در چارچوب سیاستهای صنعتی کردن و توسعه

براساس نظرات کارشناسان انکتاد، کشورهای درحال توسعه باید به‌وضوح نقشی را

جدول ۴- کارآیی سیاستهای ایجاد موقعیت رقابتی برابر در مناطق پردازش صادرات جمهوری دومینیکن

درصد پاسخهایی که سیاست صادراتی را "عالی" یا "کافی" دانسته‌اند.	عامل سیاست صادراتی
۹۲	۱- سرعت روشهای صدور مجوز سرمایه گذاری
۱۰۰	۲- کنترل ارز خارجی و بازگشت سود به کشور صادرکننده سرمایه
۹۸	۳- انگیزه‌های مالیاتی
۹۶	۴- دسترسی به ارز خارجی برای واردات مواد و ماشین آلات
۶۷	۵- دسترسی به تجهیزات سرمایه‌ای وارداتی بدون عوارض گمرکی
	و تشریفات زاید و تاخیرات
۶۳	۶- دسترسی به تامین مالی سرمایه گذاری
۸۴	۷- مقررات کار
۵۹	۸- دسترسی به نهاده‌های تولید شده در داخل به قیمت جهانی
	بدون تشریفات زاید و تاخیرات
۲۵	۹- دسترسی به نهاده‌های غیرقابل تجارت به قیمتهای رقابتی
۸۹	۱۰- کیفیت زندگی کارگران خارجی

جدول ۵- کارآیی موقعیت برابر از نظر زیرساختها در منطقه پردازش صادرات

درصد پاسخهای "عالی" یا "کافی" در مجموع پاسخها	
۱۰۰	۱- حمل و نقل هوایی
۹۷	۲- تاسیسات و تسهیلات بندری
۸۶	۳- حمل و نقل جاده‌ای
۹۲	۴- ارتباطات
۹۰	۵- انبارداری
۹۲	۶- خدمات بانکی
۵۰	۷- حمل و نقل کارگران
۱۹	۸- عرضه انرژی و آب

* کل پاسخهای نمونه گیری ۶۴ مورد.

که انتظار دارند این مناطق در زمینه صنعتی کردن و توسعه صادرات ایفا نمایند تعریف کنند. طبعاً در تعریف چنین نقشی باید به تاثیرات محدودی که مناطق صادراتی آزاد در گذشته داشته‌اند و سیاستهای تجاری کشورهای واردکننده در قبال محصولات تولید شده در این مناطق، توجه داشته باشند:

۱- ابزار منطقه پردازش صادرات صنعتی باید اساساً به عنوان وسیله‌ای برای افزایش درآمدهای ارزی و اشتغال نگریسته شود. اثرات مثبت دیگر را باید به مثابه صرفه‌های خارجی تلقی کرد.

۲- درآمدهای ارزی و سودآوری اقتصادی مناطق پردازش صادرات باید بدقت نظارت و هدایت شود. عایدات ارزی خالص کشور میزبان اساساً عبارتست از خالص صادرات و سرمایه‌گذاری، عایدات کشور میزبان از صادرات ناحیه صنعتی آزاد اساساً مشتمل است بر درآمد منابع محلی تخصیص یافته به ناحیه صنعتی و سودهایی که مجدداً

سرمایه گذاری می شود. در مقابل این عایدات ارزی، کشور میزبان متحمل مخارجی به شرح زیر می شود: هزینه منابع داخلی بویژه هزینه ایجاد و نگهداری ناحیه صنعتی، هزینه تعلیم نیروی انسانی و نهاده‌های تولید برای صنایع مستقر در ناحیه صنعتی و هزینه سوبسیدها و مشوقهائی که توسط دولت اعطا می شود، سودآوری نواحی صنعتی آزاد را بشدت تحت تاثیر قرار می دهد. بنابراین، اجتناب از هزینه‌های بیش از حد در توسعه نواحی صنعتی آزاد و پرهیز از اتخاذ سیاستهای پرهزینه برای راه اندازی این نواحی نهایت ضرورت را دارد. تسهیلات مربوط به معافیت از پرداخت تعرفه گمرکی برای واردات، اصلی ترین مشوقی است که ناحیه صنعتی می تواند از طریق آن به جلب سرمایه گذاران اقدام کند. معافیت دائمی از پرداخت مالیات و یا نرخهای ترجیحی برای برق و آب لازم نیست در نظر گرفته شود.

۳- منطقه پردازش صادرات را باید به مثابه یکی از ابزارهای توسعه صادرات تلقی کرد. با توسعه صنعتی در کشورهای در حال توسعه، هنگامی که نهاده مورد نیاز تولید به قیمت‌های قابل رقابت در سطح بین المللی از محل تامین شود، سهولت اداری ناشی از معافیت واردات از حقوق و عوارض گمرکی اهمیت خود را از دست می دهد و ملاحظات دیگر مانند نزدیکی به مواد اولیه و واسطه‌ای محلی می تواند نقش تعیین کننده تری را در تصمیمات سرمایه گذاران ایفا کند.

۴- در جایی که منطقه پردازش صادرات صنعتی عایدات خالص ارزی برای کشور میزبان به بار آورد، باید سوبسیدها و معافیت‌های مالیاتی را حذف کرد و همگام با استقرار صناعی با پیچیدگی و هم پیوستگی بیشتر در سایر نواحی کشور میزبان، باید امکانات ارتقاء فرآیندهای تولید و افزایش محتوای ارزش افزوده محلی فعالیتهای صنعتی موجود در منطقه پردازش صنعتی را مورد توجه قرار داد. اما باید توجه داشت که انتقال عملیات مونتاژ و سایر عملیاتی که نیازمند نیروی کار با تخصص‌های نازل است به عملیات پیچیده تر صنعتی که حلقه‌های ارتباطی بیشتری با اقتصاد داخلی دارند، به دلایلی چند با موانعی مواجه می شود که از آن جمله است استراتژی سرمایه گذاری شرکتهای خارجی و سیاستهای تجاری کشورهای پیشرفته. گذشته از این محدودیتها، دستیابی به ارزش افزوده داخلی بالاتر در عملیات نواحی صنعتی آزاد، از جمله ارزش افزوده حاصل از ادغام با اقتصاد داخلی، قبل از هر چیز به سطح توسعه اقتصادی و قابلیت رقابت

محصولات صنعتی کشورهای میزبان در بازار جهانی بستگی دارد. هرگاه خواسته باشیم حلقه‌های ارتباطی با صنایع بالادست (Backward Linkages) را با موفقیت برقرار سازیم، کارآئی سرمایه و هزینه تولید صنایع داخلی باید از طریق اتخاذ سیاستهای مناسب بهبود یابد. این اقدامات مشابه اقداماتی است که برای توسعه صادرات صنعتی ضروریست. بنابراین افزایش عرضه محصولات داخلی به منطقه پردازش صادرات باید به استراتژی کلی کشور میزبان در زمینه توسعه صادرات پیوند بخورد. همچنین امکانات ایجاد ظرفیتهای تولیدی محلی برای تدارک نیازهای ناحیه صنعتی از طریق موافقتنامه‌های همکاری صنعتی میان سرمایه‌گذار خارجی مستقر در ناحیه صنعتی و موسسات داخلی باید بررسی شود. مشارکت سرمایه‌های داخلی در نواحی صادراتی آزاد نیز می‌تواند از خصلت بی‌ریشه و سست‌پایی صنایع مستقر در این نواحی بکاهد.





پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی